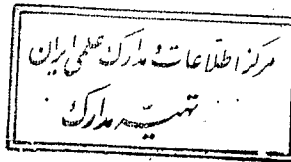


الحمد لله الرحمن الرحيم



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه حقوق جزائی و جرم‌شناسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته: حقوق جزا و جرم‌شناسی

موضوع:

تأثیر اکراه در مسئولیت کیفری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر ایرج گلدوزیان

اساتید مشاور:

جناب آقای دکتر محمد آشوری جناب آقای دکتر ابوالقاسم گرجی

نگارنده:

عباس وکیلی اجود

۱۳۷۳

برخود فرض می‌دانم از راهنمایی‌های دلسوزانه و پیوسته جناب آقای دکتر ایرج گلدوزیان (استادم در دوره لیسانس و فوق لیسانس) که در این نوشتار مسئولیت «استادی راهنما» را عهده‌دار شده و بدون هیچگونه دریغی وقت خود را جهت رفع اشکالات این مطالب در اختیارم گذاشتند صمیمانه تشکر نمایم.

همچنین از آقایان دکتر محمد آشوری و دکتر ابوالقاسم گرچی که در دو دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد توفیق شاگردی ایشان را داشتم و همواره راهگشای اینجانب و سایر دانشجویان بوده و هستند و در تکمیل مطالب این پایان‌نامه، زحمت «استادی مشاور» را تقبل فرمودند کمال سپاس را دارم.

و نیز از سایر دوستانی که در این راه مرا کمک و مساعدت نمودند از صمیم قلب قدردانی نموده و امید تذکر و ارشاد دارم.

فهرست مطالب

.....	مقدمه	۴
.....	فصل اول: کلیات	۹
.....	مبحث اول: سابقه تاریخی اکراه و تعریف آن	۱۰
.....	بخش اول: سابقه تاریخی اکراه	۱۰
.....	بخش دوم: تعریف اکراه	۲۰
.....	مبحث دوم: مبانی اکراه	۳۲
.....	بخش اول: مبانی اکراه در حقوق عرفی	۳۲
.....	بخش دوم: مبانی اکراه در حقوق اسلام	۴۱
.....	فصل دوم: منابع اکراه و ماهیت حقوقی آن	۵۶
.....	مبحث اول: منابع اکراه	۵۷
.....	بخش اول: منابع اکراه در حقوق اسلام	۵۷
.....	بخش دوم: منابع اکراه در قوانین جزایی ایران	۷۴
.....	مبحث دوم: ماهیت حقوقی اکراه و مقایسه آن با نهادهای حقوقی مشابه	۸۳
.....	بخش اول: ماهیت حقوقی اکراه	۸۳
.....	بخش دوم: مقایسه اکراه با نهادهای حقوقی مشابه	۱۰۲

فصل سوم: شرایط تحقق اکراه و بیان یک استثناء ۱۱۹

مبحث اول: شرایط تحقق اکراه ۱۲۰

بخش اول: شرایط مربوط به اکراه کننده و مکره ۱۲۰

بخش دوم: شرایط مربوط به عمل اکراه ۱۳۷

مبحث دوم: اکراه در قتل و دستور به قتل دیگری ۱۵۴

بخش اول: اکراه در قتل ۱۵۹

بخش دوم: دستور به قتل دیگری ۱۷۸

نتیجه گیری نهایی ۱۹۰

منابع و مراجع ۱۹۷

مقدمه

طرح مطلب و اهمیت موضوع

با تحول و ترقی اجتماعات بشری، ما اکنون در نقطه‌ای بسر می‌بریم که محور اعمال مجازات‌ها تنها صرف وقوع جرم و عمل غیرمجاز و نامشروع نیست، بلکه اکنون ضمن توجه به عمل نامشروع به عنوان یک عمل ضد نظم اجتماعی و مقررات موضوعه، موقعیت و وضعیت مرتکب در زمان انجام عمل و علت و اسباب وقوع عمل غیرمجاز، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. در همین سو و بمنظور ایجاد نظم اجتماعی بهتر و تحقق عدالت نسبی، جامعه‌های متحول انسانی اصول و قواعدی را ایجاد نموده و در قالب اصول و قواعد مزبور، گاهی گفته‌اند: ارتکاب عمل در مقام دفاع مشروع جرم نیست و گاهی دیگر عنوان نموده‌اند، ضرورت قانون نمی‌شناسد، و ... در همین راستا سردمداران هر حکومتی را مکلف به وضع قانون با توجه به اصول و قواعد مزبور نموده‌اند.

بتدریج بر قواعدی که ایجاد شده‌اند نامی نهاده و با توجه به ماهیت قواعد ایجاد، آنها را در دسته‌های مختلف جمع آورده‌اند. عناوین عوامل موجهه جرم، علل رافع مسئولیت کیفری، معاذیر قانونی و ... از جمله آن دسته‌ها هستند که در بطن خود دارای قواعد ویژه‌ای می‌باشند و ماهیتاً از همدیگر جدا بوده و مقررات مخصوصی بر آنها حاکمیت دارد.

از نقطه نظر حقوقی عوامل موجهه جرم، مجموعه علل و اسبابی هستند که با وجود هر کدام از آنها جرمی به وقوع نپیوسته و اصولاً بدل ارتكابی صورت جرم به خود نمی‌گیرد، در این حالت شخص مرتکب، در مرحله تحقیق از دایره حقوق جزا خارج می‌شود.

علل رافع مسئولیت کیفری، موجباتی هستند که باعث رفع مسئولیت کیفری

می شوند، بدین معنا که در این حالت جرم، واقع شده لیکن به جهت عدم قابلیت استناد به مرتکب که در نتیجه وجود یکی از علل مزبور می باشد مجازات رفع می شود.

در معاذیر قانونی، بنا به دلایل قانونی تنها اجراء مجازات اصلی در خصوص محکوم علیه موقوف مانده و مجازتهای دیگر (تکمیلی و ...) در مورد وی اجرا می شوند.

هر کدام از موجبات فوق الذکر از عواملی متأثر می شوند که در این مقال این موضوع در رابطه با علل رافع مسئولیت کیفری بررسی می شود.

بطور کلی عوامل مؤثر در مسئولیت کیفری عبارت از عقل، سن و اراده بوده و هر کدام از آنها نیز خود در قالب عوامل جزئی تر قابل بحثند. اراده که نقش بسزائی در بررسی مسئولیت کیفری دارد متشکل از عوامل طبیعی (همچون خواب و بیهوشی)، عوامل شخصی (همچون اشتباه و مستی) و عوامل غیر شخصی (همچون اضطرار و اجبار) است. بدیگر سخن اراده ممکن است از چندین عامل متأثر گردیده و در نتیجه، به خاطر آن، مسئولیت مرتکب رفع شود.

اکراه نیز یک عامل غیرشخصی در بررسی عامل اراده محسوب می شود که در مطالب آتیه به عنوان یک تأسیس حقوقی مورد بحث و بررسی واقع خواهد شد.

تأسیس حقوقی اکراه به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری که عنواناً پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ وارد مجموعه قوانین جزائی ما گردیده و اشکالاتی را در ارتباط با نهادهای حقوقی مشابه بوجود آورده است موضوعی با اهمیت و قابل بررسی است، بویژه آنکه به طور اقل نظرات پراکنده ای راجع به ماهیت حقوقی تأسیس مزبور به گوش می رسد که آنرا در زمره عوامل موجهه جرم می شمارند در حالیکه نظر غالب بر این است که آن تأسیس از موجبات نفی

مسئولیت کیفری است.

انگیزه انتخاب موضوع

طی مدت زمانی که بدنبال موضوع بودم به این نتیجه رسیدم که اکثر تحقیقاتی که اخیراً صورت می‌گیرد مربوط به مسائل اختصاصی حقوق کیفری بوده و کوئی محققین عزیز خود را از تحقیق و بررسی در مسائل پایه‌ای حقوق جزا بی‌نیاز می‌بینند. در حالیکه بنظر می‌رسد بررسی در این خصوص اگر اهمیت بیشتری را نسبت به قسمت اول نداشته باشد کم‌اهمیت‌تر نیز نمی‌تواند باشد. مضافاً بر این، علاقه ویژه‌ای که به بحث در خصوص مسائل حقوق جزای عمومی در وجودم بود ترغیب نمود تا در آن مسیر گام بردارم. با مشخص شدن مسیر حرکت، حال نوبت به انتخاب موضوعی کوچک از دریائی ژرف و وسیع رسید که هر قطره اش شایسته بحث و تحقیق و تدقیق بود.

در این موقع، معیار دومی که از قبل در نظرم بود به کمک آمد. «انتخاب موضوع از موضوعاتی که پس از انقلاب اسلامی در قوانین جزائی ما راه پیدا کرده یا حداقل با عنوان جدیدی مطرح شده است»، «اکراه» به ویژه از این خصوصیت برخوردار بود.

با اهمیتی که برای سابقه تاریخی، مبانی و شرایط مخصوصه و ماهیت حقوقی هر موضوعی قائل بودم به بررسی پرداختم و هر چه بیشتر جلو رفتم کمتر یافتم، چه آنکه مطالب در خصوص سابقه تاریخی پراکنده بود، مبانی شرعی تأسیس حقوق اکراه به خوبی و مشخص و قابل تمیز و جداگانه در نظریات قابل بررسی ارائه نشده بود و شرایط به صورت کلی عنوان و جزئیات قابلیت بررسی را داشت.

همچنین نظرات ارائه شده (هر چند به صورت پراکنده) مبنی بر اینکه اکراه همان اجبار است و شرائط و آثار آنها یکی است، افزون و بیشتر مجدوبم نمود تا وارد بحث و بررسی راجع به آن شوم.

البته ناگفته نماند هدف از طرح این مطالب، خدایی نکرده، بهیچ وجه هیچ انگاشتن زحمات گذشتگان علم حقوق نبوده و هدف و انگیزه تنها ذکر مطالب و موضوعات قابل بررسی است، چه آنکه علماء حقوق کشور ما، چه از انقلاب و چه پس از آن، زحمات فراوانی را در بررسی و ارائه نظرات متین که راهشگای دانشجویان باشد بعمل آورده‌اند و ذکر نواقص احتمالی به هیچ وجه نمی‌تواند موجب از بین رفتن اجر ایشان گردد.

تقسیم مطالب

در تقسیم مطالب بیشتر سعی شده دو نکته مهم رعایت شود:

اول: مطالبی که در یک مجموعه با هر عنوان اعم از فصل، مبحث و بخش جمع گردیده‌اند با هم دارای سنخیت کامل بوده یا حداقل در ارتباط کامل با هم باشند.

دوم: شکل و نمای کلی فهرست مطالب به نحوی تنظیم شود که هم گویای مطالب مطروحه بوده و هم دارای نظم و ترتیب خاص و جذابیت باشد. بدین ترتیب پایان‌نامه متشکل از یک مقدمه، سه فصل و یک نتیجه‌گیری نهایی خواهد بود.

هر فصلی مرکب از دو مبحث و هر مبحثی شامل دو بخش خواهد بود و در داخل هر بخش نیز سعی گردیده بدون آنکه به محتوی و ماهیت مطالب خدشه وارد شود نظم حاکم بر کل مقاله حفظ شود.

مکره

با این توضیح فصل اول به کلیات موضوع (سابقه تاریخی، تعریف، مبانی عرفی و مبانی شرعی) اختصاص یافته، فصل دوم به منابع اکراه (در حقوق اسلام و حقوق کیفری ایران) و ماهیت حقوقی آن (ضمن مقایسه با عناوین حقوقی مشابه) پرداخته و بالاخره در فصل سوم ضمن بیان شرایط تحقق اکراه (به طور مفصل)، بحث اکراه در قتل و دستور به قتل به لحاظ وضعیت خاصی که دارا بوده و در سال ۱۳۷۰ نیز تغییراتی را به خود پذیرفته‌اند مورد بررسی واقع شده‌اند. یادآوری این نکته لازم است که در این پایان‌نامه منظور از حقوق اسلام، مقررات شرعی و فرضیه‌های ارائه شده در فقه تشیع بوده و هر جا که ضرورت ایجاب نموده در پاورقی مربوطه به نظرات فقهاء اهل تسنن اشاره شده است.

فصل اول: کلیات

کلیات به سه موضوع سابقه تاریخی، تعریف و مبانی اکراه اختصاص دارد. در سابقه تاریخی اکراه مجموعه قوانین حمورایی، عهدهای عتیق و جدید و مقررات موجود در دوران اسلام به عنوان جامعه‌هائی که دارای مقررات موضوعه بوده و از نظر سلسله تاریخی دارای ترتیب خاصی می‌باشند مورد بررسی واقع گردیده‌اند.

در بخش مربوط به تعریف اکراه سعی وافر بر بررسی دقیق اکراه از نظر لغت و مفهوم است.

و بالاخره در خصوص مبانی اکراه، دلایل پذیرفتن اکراه در حقوق عرفی و شرعی بیان گردیده و عنداللزوم از مقایسه آنها به نتیجه‌ای منطقی خواهیم رسید. ناگفته پیداست هر گونه نظری در خصوص مبانی اکراه لزوماً ماهیت حقوقی آنرا روشن خواهد نمود.

مبحث اول: سابقه تاریخی اکراه و تعریف آن

بخش اول: سابقه تاریخی اکراه

«جرائم و به تبع آنها مجازتها در هر جامعه با طرز فکر و درجه تمدن و مشخصات اقلیمی و روحی مردم آن جامعه تناسب مستقیم دارد.

جرائم و بخصوص مجازات آنها تحت تأثیر افکار و عادات و ارزشهای مورد احترام هر جامعه و کیفیت قضاوتهای هر اجتماع متغیر است، بطوریکه در اثر اوضاع و احوال اجتماعی ممکن است رفتار شخصی جرم تشخیص و به حداکثر مجازات محکوم شود، در حالیکه رفتار همان شخص در اجتماعی دیگر امری عادی و مقبول تلقی شود.»^۱

در بررسی دوره‌های تاریخی آمده است که در جوامع اولیه نسبت به افراد بی‌روح نیز اعمال مجازات می‌شده، پس از آن با تحولی ازلیه، اشیاء به عنوان موجوداتی که دارای اراده ارتکاب جرم نبودند از موضوع حقوق جزا خارج گردیدند ولی با این حال هنوز جامعه به عنوان یک شخصیت حقوقی صاحب حق انتقام بود و اصولی همچون اصل شخصی بودن مجازتها، اصل فردی کردن مجازتها و اصل تساوی مجازتها و ... رعایت نمی‌گردید.

بدین ترتیب در آن دوران جامعه فقط به جرم می‌نگریست و شخص را به خاطر عمل انجام شده مجازات می‌نمود و بتدریج جامعه نگرش جدیدی پیدا

۱- دکتر گلدوزیان، ایرج - حقوق جزای عمومی ایران - جلد اول - از انتشارات دانشگاه تهران - چاپ چهارم ص ۲۴

نموده و علاوه بر جرم شخص مجرم نیز مورد ملاحظه قرار گرفت. در این راستا از جمله مسائل مهمی که در بررسی عمل ارتكابی شخص مجرم ملحوظ گردید، قصد مجرمانه و سوء نیت وی بود. بدین بیان که جامعه فقط اعمال ارادی شخص را مورد بازخواست قرار داد.

البته تحول مزبور و طرز تفکر جدید به سالهای بسیار دور بر می‌گردد که آیا عمل به وقوع پیوسته ناشی از اراده کامل، سالم و آزاد شخص مرتکب بوده یا خیر؟ و آیا شخص در انجام عمل، قصد مجرمانه و نیت پلید و زشت داشته یا آنکه تحت تأثیر فشارهای خارجی مرتکب عمل گردیده است؟ و چندین سؤال دیگر.

به منظور بررسی راجع به طرز تفکر جوامع تاریخی مختلف در موضوع مورد بحث ذیلاً موضوع در چهار دوره تاریخی که دارای مقررات موضوعه بوده و وضعیت خاصی را به دیگر دوره‌های تاریخی دارند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف: مجموعه قوانین حمورابی

«در مشرق زمین تمدن بشری از منطقه سومر در بین‌النهرین و دره نیل در مصر آغاز گردیده است. دره دجله و فرات که یونانیان آن را فروپتامی می‌نامیدند مهد دولتهائی بوده که در زمره قدیمی‌ترین دول جهان محسوب می‌گردند، به استناد مدارک تاریخی نخستین دولت که در هزاره چهارم قبل از میلاد در بین‌النهرین تشکیل گردید، دولت سومر بوده است، این دولت در هزاره سوم پیش از میلاد مغلوب آکدیها گردید. سومر مغلوب، پس از سه قرن مجدداً بر آکد تسلط یافت، تسلطی که تا سالهای ۲۷۰۰ و به قولی ۲۵۰۰ قبل از میلاد بطول انجامید تا آنکه شخصی بنام ساروکین مجدداً دولت سومر را مغلوب و شهرهای

آن را تصرف کرد. متصرفات ساروکین با مرگ وی از هم پاشید و سرانجام در حدود دو هزار سال پیش از میلاد قومی بنام آموریتهای یا آموریها، بابل شهر بزرگ افسانه‌ای که سومریها آن را بنا کرده بودند را به تصرف درآورده و ماردوک خدای بابل را به خداوندی تمامی شهرهای سومر و آکد برگزید.^۱

آموریه‌ها متشکل از پانزده پادشاه یا فرمانروا بودند که ششمین آنها حمورابی نام داشته و بنا بر نظر غالب بین سالهای ۱۷۰۴ تا ۱۶۶۲ پیش از میلاد سلطنت می‌نموده است. اولین قوانین و مقررات مدونی که تا کنون بدست آمده مربوط به این پادشاه بوده که به مجموعه قوانین حمورابی معروف می‌باشد.^۲

«مجموعه قوانین حمورابی مشتمل بر ۲۸۲ ماده است که ۳۵ ماده آن محو گردیده و از آنها جز اطلاعاتی ناقص در دست نیست، ... بخش مهمی از این مواد قانونی واجد جنبه کیفری است که نه تنها به تعیین مجازات برای بسیاری از اعمالی که امروزه نیز جرم شناخته می‌شوند پرداخته، بلکه به عنوان پاسدار و ضامن اجرای کیفری بسیاری از اعمالی که در روزگار ما مجاز و یا فقط از ضمانت اجرای حقوقی برخوردارند مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است.»^۳

قوانین حمورابی همانطوریکه در اکثر مسائل نسبت به اعلام حکم در خصوص اعمال ارتكابی شخص بدون اعمال تهدید و تحریک و خارج از نفوذ و فشار خارجی اقدام نموده، اعمال انجام یافته در اثر فشارهای خارجی همچون تحریک و تهدید را تحت شرایط ویژه‌ای قرار داده و قابل مجازات ندانسته است که در این خصوص موارد ذیل عنوان می‌گردد:

۱- دکتر آشوری، محمد - نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی - شماره ۷ - مقاله عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی - صفحات ۲ و ۳
۲- دکتر آشوری، محمد - همان مأخذ - صفحات ۴ و ۱
۳- دکتر آشوری، محمد - همان مأخذ - صفحات ۵ و ۴

۱- تحریک به فرار بردگان: در ماده ۱۵ مجموعه قوانین حمورابی آمده است:

«اگر کسی غلام یا کنیزی متعلق به پادشاه یا متعلق به شخص

آزادی را تحریک به فرار کند به نحوی که آنان از شهر خارج شده و

فرار اختیار کنند او را باید کشت»^۱

همانطوریکه می بینیم ماده مزبور راجع به تحریک بوده و مرتکب آن را

مستوجب مجازات دانسته است اما مجازاتی را برای برده ای که در اثر تحریک از

شهر فرار کرده است پیش بینی ننموده است. آیا تحریک صورت گرفته عمل برده را

یک امر طبیعی و عادی نموده و تنها مجازات آن برگرداندن وی می باشد؟

۲- زنا در اثر عنف و اکراه: «تنظیم قبالة نکاح برای اینکه زنی زوجه قانونی

مردی تلقی گردد از ضروریات است. لذا در صورتیکه بدون تنظیم عقدنامه بدیهی

است به صورت ابتدائی آن شخص به عنف به زنی تجاوز نماید مجازات اعدام

برای وی منظور شده است. ماده ۱۳۰ برای این امر چهار شرط ذکر نموده است:

۱- زن باید نامزد دیگری باشد. ۲- در خانه پدر خود زندگی نماید. ۳- مرد به

او عنفاً تجاوز کرده و یا به عنف وارد بستر وی گردد. ۴- و بالاخره هر دوی

آنها در حال جرم مشهود دستگیر شوند. مجازات چنین مردی اعدام است و زن

از مجازات معاف می گردد.^۲ چه آنکه زن نه تنها در ارتکاب جرم زنا اراده ای

ندارد بلکه خود قربانی جرم زنا به عنف است.

پ: عهد عتیق:

یکی از ادیان بزرگ الهی، شریعت حضرت موسی (ع) است که پیروان آن به

۱- دکتر آشوری، محمد - همان مأخذ - صفحه ۲۱ - گفتنی است این ماده به منظور بیان حالات استثنائی ذکر گردیده و هدف آن شمول تأسیس حقوقی اکراه به مورد تحریک نیست.

۲- دکتر آشوری، محمد - همان مأخذ - صفحه ۲۶